

## اتحاد با مسیح

### درس ۱۲، شراکت در مرگ و رستاخیز او

سینکلر فرگوسن

حالا به درس آخرِ موضوع مهم «اتحاد با مسیح» رسیدیم و نمی‌دونم شما هم اینو احساس می‌کنید که غالباً وقتی مجموعه پیغام‌هایی درباره‌ی یک کتاب از کتاب مقدس یا یک موضوع رو تموم می‌کنیم، احساس می‌کنم تازه به اندازه‌ی کافی گرم شدیم که این مجموعه رو شروع کنیم. می‌خوام برگردم و دوباره از نو شروع کنم و فکر کنم، «شاید الان آماده‌ایم؛ واقعاً می‌تونیم اونو بفهمیم.»

در این درس‌هایی که با هم داشتیم، یک سفری رو طی کردیم. اول از همه، به اهمیت اتحاد با مسیح در عهد جدید پرداختیم؛ مخصوصاً در پولس. در بیش از یکصد و شصت مورد، او از اصطلاح «در مسیح» یا «در خداوند» یا «در او» استفاده می‌کنه. پس این خیلی مهمه؛ و به نظرم، امیدوارم حداقل وقتی این جلسات تموم می‌شه، هرگز این «در مسیح»‌هایی رو که صرفاً در این صفحات توجه‌مون رو جلب کرده، فراموش نکنیم؛ و هرچه بیشتر به مفهوم مسیحیت فکر می‌کنیم، به امتیازاتِ خودمون پی ببریم. اینکه مسیح یک نجات‌دهنده‌ی بزرگه و خودش رو با ما متحد کرده.

و همون‌طور که بارها گفتم، ما به همراه کلیسای مسیحی گذشته، می‌دونیم که عیسی خودش رو بدون ما ناکامل می‌دونه. این یک امتیازِ شگفت‌انگیزه، این‌طور نیست؟ اینکه عیسی خودش رو بدون من، بدون ما، به‌عنوان برادران و خواهران و مقدسین تمام اعصار، ناکامل می‌دونه.

و همون‌طور که در درس قبلی دیدیم؛ کار عیسی روی صلیب، اینه که ما رو در یک خانواده دور هم جمع کنه؛ شاخه‌ی خانواده‌ی آسمانی و شاخه‌ی خانواده‌ی زمینی؛ تا نه‌تنها با ایماندارانِ کلیسای امروز، ایماندارانِ کلیسای دیروز و کسانی که در آینده ایماندار خواهند شد، متحد بشیم؛ بلکه در یک خانواده، با شاخه‌ی خانواده‌ی دیگه هم متحد بشیم. فرشتگان در آیات عهد عتیق، «پسران» نامیده شدند؛ پس شاخه‌ی دیگه‌ی خانواده، فرشتگانی هستند که سقوط نکردند؛ کروبین، صرافین، موجوداتی که دورتادور تخت‌اند. آسمان، امیدواری برای یک «خانواده‌ی شاد» خواهد بود؛ و همه‌ی این‌ها به خاطرِ اینه که ما تحت سلطه‌ی یک سر؛ عیسی مسیح، متحد شدیم.

در جلسه‌ی قبل به تعلیم عیسی درباره‌ی اتحاد با مسیح پرداختیم؛ به این مفهوم که او ما رو هُرس می‌کنه، اینکه یک عنصری در زندگی مسیحی هست که برامون دردناکه. می‌خوام مجموعه‌مون رو با این تفکر خاتمه بدیم که اتحاد با مسیح، ابعادِ مضاعف داره. به‌طور کلی، این اتحاد رو به‌عنوان واقعیت روحانیِ درونی در نظر می‌گیریم.

پس چون با مسیح متحد شدیم، گناه رو از تن‌مون خارج می‌کنیم و در فیضِ مسیح‌گونه رشد می‌کنیم. اما ما صرفاً موجودات

روحانی نیستیم؛ ما موجودات جسمانی هستیم. در واقع، پولس به قرنطیان، در اول قرنطیان ۶ می‌گه، هر کسی که با خداوند متحد بشه، جسم‌اش به خداوند وصل می‌شه، چون روح در ما ساکن می‌شه؛ جسم ما معبد روح القدس.

پس می‌خوام در جلسه‌ی آخر، به ابعاد بیرونی مفهوم اتحادمون با مسیح بپردازیم. ما در مرگ و رستاخیز مسیح با او متحد شدیم. این به لحاظ روحانی و درونی، در نفس‌گشی گناه و احیای حیات، عمل می‌کنه. جان کلون که بارها بر این موضوع تأکید کرده؛ بر این هم تأکید می‌کنه که یک نفس‌گشی مضاعف داریم که اسمش رو «مارتیفیکتیو دوپلکس» می‌ذاره؛ و احیای مضاعف هم داریم، «ویویفیکتیو دوپلکس»، می‌گه که یک نفس‌گشی درونی و احیا؛ اما در زندگی مسیحی، نفس‌گشی و احیای بیرونی هم داریم.

در این دنیا، به شکل‌های مختلف، در عملکرد اتحادمون با مسیح، در مرگ و رستاخیز شریک خواهیم شد. می‌خوام به شکل‌های مختلف به این موضوع فکر کنیم. مقدسین عهد عتیق با مسیح متحد بودند. بله، در وعده، متحد بودند؛ اما در وعده‌ی مسیحی که می‌مُرد و قیام می‌کرد؛ و بنابراین وقتی در آیات عهد عتیق به اون‌ها نگاه می‌کنیم، اون‌ها گناه رو با کمک روح کنار می‌ذارن، فیضی رو می‌پوشند که به عنوان فیض مسیح‌گونه می‌شناسیم.

اما با داستان زندگی‌شون هم در این موضوع شریک می‌شن. یوسف، مثال بارزی از اینه، این طور نیست؟ با ایمان، در وعده‌ی عیسی مسیح متحد شد، زندگی یوسف چه شکلی بود؟ زندگی یوسف این شکلی بود که او در رنج مسیح شریک شد. در مرگ مسیح شریک شد. در خواری مسیح شریک شد. در واقع، بخش‌های زیادی از زندگی یوسف، مثل پژواکی از زندگی عیسی در گذشته‌آس. او به دروغ متهم شد.

خوار شد؛ و بعد، در مشیت الهی خدا بلند کرده شد و تعالی یافت و چیزی رو آورد که پیدایش، «نجات» می‌نامه؛ نجات جسمانی کل منطقه‌ی مدیترانه. او در بیرون، در مرگ و قیام خداوند عیسی شریک شد. شما اینو در داود پادشاه و بسیاری از مقدسین دیگه‌ی عهد عتیق می‌بینید؛ و اینو در زندگی ایمانداران، در صفحات عهد جدید می‌بینید. بارزترین مثال، موردیه که باهاش شروع کردیم؛ اول از همه، در چه کسی، ثمردهی مسیحی به وضوح دیده شد؛ کسی که در اتحاد با خداوند عیسی مسیح شریک شد و این در کل زندگی‌اش نمایان شد؟ پاسخ، استیفان. استیفان به اتحاد با عیسی مسیح اعتماد می‌کنه و به اون ایمان داره.

او گناه رو کنار می‌ذاره، فیض مسیح رو می‌پوشه، و مسیح‌گونه می‌شه؛ اما این یک چیز درونی نیست، یک چیز بیرونیه. استیفان، ثمربخش می‌شه؛ در مرگ مسیح شریک می‌شه. استیفان، ثمربخش می‌شه؛ در ثمره‌ی رستاخیز مسیح در مرد جوونی به نام سولس طرسوسی شریک می‌شه؛ و بعد در جمعیتی که نهایتاً هیچ کس نمی‌تونه اون‌ها رو بشمُره.

و من فکر می‌کنم، تبدیل سولس طرسوسی به پولس رسول، انعکاسی از ارزش درونی ملاقات او با مسیح در جاده‌ی دمشق و ارتباط بین کلام عیسی به او و اون چیزیه که او در استیفان دید؛ و این ایده‌ی اولیه‌ی اتحاد عیسی و استیفانه؛ اینکه جفا به استیفان، جفا به خداوند عیساست؛ به نظرم، درک پولس درباره‌ی زندگی و خدمت خودش، از این بستر ظاهر می‌شه؛ او الگویی

رو دید که نه تنها درونی بود، بلکه در کلی زندگی مسیحی مون، مسیحیانی رو می بینیم که از منظر این موضوع زندگی می کنند؛ برای اتحاد با مسیح در مرگ و رستاخیزش، اتحاد با مسیح در غم و خوشی او، اتحاد با مسیح در درد و ثمردهی او مقرر شدند.

می خوام به آیاتی پردازیم که پولس اینو مطرح می کنه. البته یکی شون، کلام او در کولسیان باب ۱ هست که می گه؛ نمی دونم با این کلمات آشنایید یا نه. اونجا وقتی درباره ی خدمت خودش صحبت می کنه، یک جمله ی شگفت انگیزی رو می گه که تفسیرش برای بعضی افراد سخته. می گه، «از زحمتهای خود... شادی می کنم.» آیه ی ۲۴ از باب ۱، «از زحمتهای خود در راه شما شادی می کنم.» این جمله جالبه، این طور نیست؟ پولس خودش رو به عنوان کسی نمی بینه که به خاطر خودش رنج می کشه. ما معمولاً خودمون رو به عنوان کسی می بینیم که برای خودمون رنج می کشیم؛ هیچ کس رنج نمی کشه، فقط ما رنج می کشیم؛

اما پولس همه ی رنج هاش رو بخشی از خدمتش برای کلیسا می دونه، «الان از زحمتهای خود در راه شما شادی می کنم و نقص های زحمات مسیح را در بدن خود به کمال می رسانم برای بدن او که کلیسا است.» حالا منظورش از این حرف چیه، «نقص های زحمات مسیح را در بدن خود به کمال می رسانم برای بدن او که کلیسا است؟» شاید، جابه جایی ترتیب کلمات، کمک تون کنه؛ پولس می گه، «به خاطر کلیسا، نقص های زحمات مسیح را در بدن خود به کمال می رسانم.» نمی گه در رنج مسیح نقصی هست، درسته؟ احتمالاً نمی تونست اینو بگه.

اگه در رنج های مسیح نقصی هست؛ پس مسیح هنوز کاری رو که باید برای نجات ما انجام می داد، انجام نداده. نقصی در رنج های مسیح نیست. پس پولس درباره ی چی صحبت می کنه؟ درباره ی این حقیقت صحبت می کنه که در اتحاد با مسیح، عملکرد این اتحاد در او به کمال نرسیده. چیزهای بیشتری در او هست که باید انجام بشه؛ چیزهایی که هنوز در سهیم شدن در رنج های مسیح تجربه می کنه تا بتونه در مسیح، برای کلیسا ثمربخش باشه.

در واقع، اینو در بخش دیگه ای دیدیم که بهش رسیدگی کردیم، اما در موردش حرف نزدیم؛ فیلیپیان باب ۳، یاد تونه. می گه، «می خوام مسیح رو بشناسم؛ و در مشارکت رنج های او سهیم بشم و در مرگ مسیح، مانند او بشم تا به رستاخیز از مردگان دست یابم.» آیا این حرف جالبی نیست؟ «می خوام سهیم بشم؛ می خوام در رنج های مسیح با او شریک بشم.» حالا چرا اینو می گه؟ به خاطر این نیست که او آزار طلبه؛ او از درد لذت نمی بَره. در واقع، از همراهی لوقای طبیب لذت می بَره. به تیموتائوس می گه، «تیموتائوس، این درد معده رو تحمل نکن. به خاطر معده ات، کمی شراب بنوش.» او از رنج و درد لذت نمی بَره؛

بلکه می دونه خدا از این رنجی که او متحمل می شه، استفاده می کنه و اونو ثمربخش می سازه؛ چون این عملکرد اتحاد و مشارکتش با نجات دهنده ی مصلوبه. شاید بتونم این طوری بگم؛ شما نمی تونید بدون شباهت به خداوند عیسی، به صورت رو در رو با خداوند عیسی زندگی کنید؛ نمی تونید در اتحاد و مشارکت با خداوند عیسی زندگی کنید. نمی تونید فقط یک مسیح قیام کرده داشته باشید، باید کلی مسیح رو داشته باشید. پس وقتی مسیح مصلوب و قیام کرده رو می پذیریم؛ این توسط روح و در

مشیت الهی خدا، یک اثری رو در زندگی مون به جا می‌ذاره؛ یک ریتمی از مرگ و رستاخیز ایجاد می‌کنه که منجر به ثمردهی در زندگی مون می‌شه.

حالا البته مهمه که اینو کاملاً در دستان خداوند ببینیم. ما میزان چیزی رو که باید تجربه کنیم، انتخاب نمی‌کنیم. نباید از مسیرمون خارج بشیم تا اونو پیدا کنیم. این کاملاً در مشیت الهی مقتدرانه‌ی خداست؛ اما به نظرم، پولس می‌گه اگه با مسیح متحد شدیم، این به طریق‌های مختلف، قرعه‌ی ما خواهد بود. همه‌ی ما اینو تجربه کردیم، این‌طور نیست؟ اما آگاهی از این موضوع، مهمه؛ چون ما روزهای سخت رو تجربه می‌کنیم؛ رنج می‌کشیم؛ زحمت‌های مختلف رو تجربه می‌کنیم؛ اما چون با عیسی مسیح متحد شدیم، خداوند می‌خواد همه‌ی این‌ها رو به کار بَره تا ما رو در ملکوتش، مفید و ثمربخش بسازه. این می‌تونه شامل هر چیزی باشه؛ از زیان‌هایی که منجر به غم و اندوه در زندگی مون می‌شه،

تا مشکلات از جانب همکارانی که به ما جفا می‌رسوند یا ما رو به‌عنوان مسیحی تحقیر می‌کنند. پولس برای کلامی که اینجا مطرح می‌کنه، محدودیتی قائل نمی‌شه؛ بلکه می‌خواد بدونیم اگه با مسیح متحد شدیم، در رنج‌هاش هم شریک خواهیم شد؛ اما وقتی در رنج‌هاش شریک می‌شیم، در ثمردهی پُر جلالِ قدرتِ رستاخیزش هم شریک خواهیم شد.

این در کولسیانه؛ و در فیلیپیان هم هست؛ و در قرنتیان هم هست. می‌خوام به نام‌های دوم به قرنتیان بریم تا با هم به این موضوع پردازیم که پولس با چه شدتی اینو نشون می‌ده. می‌خوام یک کارِ غیرعادی انجام بدم؛ می‌خوام قرنتیان رو از آخر به اول بخونم. پس سه جا در قرنتیان هست که می‌خوام بهش نگاه کنیم. اول از همه، در آخرِ دوم قرنتیان، باب ۱۳، آیات ۳ و ۴. پولس می‌گه، «چون که دلیل مسیح را که در من سخن می‌گوید می‌جوید؛» می‌خوام اینو بهتون بگم، «که او نزد شما ضعیف نیست بلکه در شما تواناست. زیرا هرگاه از ضعف مصلوب گشت، لیکن از قوت خدا زیست می‌کند.»

حالا می‌خوام روی جمله‌ی بعدی تمرکز کنید و واقعاً کلامش رو درک کنید. «چون که ما نیز در وی ضعیف هستیم، لیکن با او از قوت خدا که به‌سوی شما است، زیست خواهیم کرد.» تا حالا این خطای دید رو داشتید که می‌گه «پاریس در در بهار؟» می‌دونم مردم می‌تونند اینو بخوندند، در حالی که در واقع اونو نخوندند.

یه خطای دید در این آیه‌اس. به نظرم، تعداد زیادی از مسیحیانی که این کلام پولس رو می‌خوندند، در واقع، این‌طور می‌خوندند، «ما خودمون ضعیفیم؛ اما در برخورد با شما، قوی خواهیم بود.» البته پولس به فیلیپیان می‌گه، «من خودم ضعیفم، اما در مسیح می‌تونم هر کاری رو انجام بدم.» اما می‌خوام به کلامش در اینجا توجه کنید. می‌گه، «در مسیح، ما ضعیفیم.» یا یک جور دیگه بگم، «ما در مسیح، ضعیفیم.»

می‌بینید، چی می‌گه؟ می‌گه «این ضعف؛ یادتونه چطوری نزد قرنتیان رفت؛ می‌گه، «من در ضعف و ترس و لرزش بسیار نزد شما شدم.» شاید مردم بگن، «تو دیوونه‌ای، تو بیچاره‌ای.» می‌بینید اینجا چی می‌گه؟ می‌گه، «این ضعفی که تجربه کردم، حاصلِ اتحادم با مسیحی بود که در صلیب تضعیف شد.» این کاملاً متفاوت از شهود درونی و عادی ماست. ما باید در مسیح قوی

باشیم. پولس می‌گه، در واقع، اگه در مسیح هستید، ضعفِ شدید، ضعفِ شدیدی رو تجربه خواهید کرد؛ چون در این ضعفِ شدید در مسیح، ثمردهی بسیار در مسیح رو تجربه خواهید کرد.

چند تا باب به عقب برگردید؛ در دوم قرن‌تیان، باب ۴. در دوم قرن‌تیان، باب ۴، مخصوصاً آیات ۱۰، ۱۱ و ۱۲. درباره‌ی رنج‌هایی صحبت می‌کنه که متحمل شد، «تعاقب کرده شده، لیکن نه متروک؛ افکنده شده، ولی هلاک شده نی.» بعد، به توضیح او و توضیح خودتون فکر کنید. «پیوسته قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم.» از کلمه‌ی «مرگ» استفاده نمی‌کنه؛ از کلمه‌ی «در حالِ مرگ» استفاده می‌کنه. «پیوسته قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود.»

اینو از کجا آورد؟ اینو از استیفان گرفت، درسته؟ استیفان در مرگش، مسیح‌گونه بود؛ در جسدش، اتحاد و مشارکتش با نجات‌دهنده‌ی مصلوب رو حمل می‌کرد؛ همیشه در جسدش، عیسای در حالِ مرگ رو حمل می‌کرد. نتیجه‌اش چی بود؟ زندگی عیسی در جسدش نمایان شد، «زیرا ما که زنده ایم، دائم به خاطر عیسی به موت سپرده می‌شویم تا حیات عیسی نیز در جسد فانی ما پدید آید.»

پس توضیحش اینه؛ مرگ در اتحاد با مسیح؛ رنج‌های من؛ جفایی که تجربه می‌کنم؛ زحمت‌هایی که متحمل می‌شم؛ مرگ در ما عمل می‌کنه تا حیات هم در ما عمل کنه. اینو از استیفان یاد گرفته بود، این طور نیست؟ و این مشخصه‌ی کل زندگی مسیحی‌اش بود.

حالا دوستان، این می‌تونه کلام دلسردکننده‌ای برای ما باشه، «منظورت اینه که من اینو در زندگی مسیحی‌ام تجربه می‌کنم؛ کلام شادی‌بخشی ندارم که به من بگی؟» خُب، یک کلام واقعاً شادی‌بخش براتون دارم. وقتی در جسم فانی‌تون، عیسای در حالِ مرگ رو حمل می‌کنید، حیات عیسی، در شما ظاهر خواهد شد.

حالا، چرا خدا این طوری عمل می‌کنه؟ چون در عیسی هم این طور عمل کرد، این طور نیست؟ عیسی از طریق رنج و مرگش، ثمر داد؛ و او ما رو به شباهت خودش درمی‌آره تا ثمر بدیم؛ پس به همین طریق از ما استفاده می‌کنه. طرح بهتری نداره. طرح و الگو، اینه. می‌تونم این طوری بگم که این طرح، کاربرد داره. خدا برای تبدیل ما به شباهت مسیح، از طرح و الگویی استفاده می‌کنه که برای مسیح به کار برد.

پس ما او رو می‌پذیریم. وقتی او رو می‌پذیریم، انگار مقداری از خونس روی لباسِ مون می‌ریزه و قدرت رستخیز در زندگی‌مون دیده می‌شه. این‌ها لنز هستند. وقتی از طریق این لنزها به کل زندگی مسیحی‌مون نگاه کنیم، عملکرد این طرح و الگو رو خواهیم دید؛ گاهی به شکل‌های کوچک، به صورت لحظه‌ای خواهیم دید.

ما به لنزهای حرفه‌ای نیاز داریم تا این طرح و الگو رو ببینیم. شاید مکان و زمان و علتش رو کاملاً درک نکنیم؛ اما اگه با مسیح

متحدیم، این کار رو در زندگی مون انجام خواهد داد. و بعد، به مطالعه‌ی وارونه ادامه می‌دیم و به ابتدای دوم قرن‌تیان می‌رسیم؛ این دو آیه به ما کمک می‌کنه که کلامش رو در باب ۱ درک کنیم.

در باب ۱، آیه‌ی ۵ می‌گه، حُب، بیایید به آیه‌ی ۴ یا حتی آیه‌ی ۳ برگردیم. او خدا رو ستایش می‌کنه؛ خدایی که در تمامی تنگی‌ها تسلی می‌ده، تا او پتونه دیگران رو تسلی بده. او بدون تجربه‌ی تسلی خدا در تنگی‌هاش، تسلی‌ای برای تسلی دادنِ دیگران نداره. اما می‌بینید، یک چیزی رو در تنگی‌هاش چشیده که در تسلی‌اش اونو نچشیده؛ و بعد این طوری می‌گه، «زیرا به اندازه‌ای که دردهای مسیح در ما زیاده شود، به همین قسم تسلی ما نیز به وسیله مسیح می‌افزاید. اما خواه زحمت کشیم، این است برای تسلی و نجات شما، و خواه تسلی پذیریم این هم به جهت تسلی و نجات شما است که میسر می‌شود.»

این تصویر قدرتمندی از گستردگی اتحادمون با مسیح. این چیزی نیست که فقط در درون و به‌طور خصوصی و روحانی تجربه کنیم. این واقعیتی که با قدرت روح القدس در اون قرار گرفتیم و این ریتم رو در زندگی مون ایجاد می‌کنه که وقتی در مرگ مسیح شریک می‌شیم، در رستاخیزش هم شریک می‌شیم. وقتی در رنج‌های مسیح شریک می‌شیم، در ثمربخشی او هم شریک می‌شیم. دلیلش چیه؟ دلیلش اینه که نهایتاً او می‌خواد ما رو شبیه عیسی بسازه. این نکته‌ی اصلی اتحاد ما با عیسی مسیح.